روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۴۸۴۲ | سه‌شنبه اول تیر ۱۳۹۵ | ۱۵ رمضان ۱۴۳۷ | اذان ظهر: ۱۳:۰۶ |
غروب آفتاب: ۲۰:۲۴ | اذان مغرب: ۲۰:۴۵ | نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۳ | اذان صبح فردا: ۰۴:۰۲ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۴۹ |

دریچه

### خانواده شهدای مدافع حرم در «شهر باران» چه گفتند

## اطاعت از رهبری آخرین توصیه شهید مدافع حرم

**خانواده شهیدان صدرزاده و اعطایی شب گذشته مهمان ویژه برنامه رمضانی شهر باران شدند.**

به گزارش «جوان» سیزدهمین قسمت ویژه برنامه رمضانی «شهر باران» میزبان خانواده شهید مصطفی صدرزاده، فرمانده گردان عمار از لشکر فاطمیون و از شهدای مدافع حرم بود.

سمیه ابراهیم‌پور همسر شهید صدرزاده که به همراه دخترش در این برنامه حضور پیدا کرده بود، سخنان خود را با اشاره به یکی از جملات معروف این شهید بزرگوار آغاز کرد که گفته بود: «همسر و فرزندانم و هفت جد و آبادم، فدای یک کاشی حرم حضرت زینب(س)» و گفت: الحمدلله همه شهدای مدافع حرم دید وسیع و رفیعی داشتند.

وی افزود: اینکه ایشان چنین جمله‌ای را گفتند، نشان‌دهنده عقیده رفیعشان بود که می‌خواستند تمام دارایی خود را که همان خانواده‌شان بود، در راه امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) تقدیم کنند.

ابراهیم‌پور در ادامه با اشاره به ارتباط عاطفی میان همسران شهدای مدافع حرم با شوهران خود بیان کرد: من در اغلب خانواده‌های شهدای مدافع حرم این موضوع را دیده‌ام که همسران آنها وابستگی بسیار زیادی به همسران خود دارند و حتی خود من برای انجام کوچک‌ترین کارها صبر می‌کردم تا زمانی که پس از بازگشت همسرم از مأموریت، به سراغ انجام آن برویم.

همسر شهید صدرزاده در ادامه سخنان خود به بخش‌هایی از وصیت این شهید بزرگوار اشاره کرد و گفت: آقا مصطفی در وصیتنامه خود پس از به جا آوردن شکر خدا به واسطه بخشیدن نعمت مسلمانی و شیعه امیرالمؤمنین علی(ع) بودن، به همه توصیه کرد که گوش به فرمان رهبری باشند که ایشان بهترین دشمن‌شناس و دوست‌شناس هستند.

خانواده شهید احمد اعطایی دیگر خانواده شهدای مدافع حرم بود که شب گذشته مهمان این برنامه شدند.

خواهر شهید اعطایی با اشاره به روحیه خاص این شهید گفت: احمد ما خدای محبت و عاطفه بود و همواره همچون کوهی پشت خانواده خود بود، ولی تقدیر این‌گونه شد که با خواست خدا او فدایی حضرت زینب(س) شود.

وی خاطرنشان کرد: من با تمام وجود خدا را به خاطر این محبت که نصیب برادرم احمد شد، شکر می‌کنم و حقیقت این جمله حضرت زینب(س) که فرمودند چیزی جز زیبایی ندیدم، در ارتباط با شهادت برادرم درک کردم و خدا را به خاطر آن شاکرم.

ویژه برنامه «شهر باران» از تولیدات گروه معارف شبکه اول سیماست که در ماه مبارک رمضان هر شب ساعت ۱۹ با اجرای پدرام کریمی و به تهیه‌کنندگی احسان ارغوانی به روی آنتن می‌رود.

خبر

### با حضور جمعی از خانواده‌های قربانیان

## بزرگداشت شهدای فاجعه منا برگزار شد

**نشست خیزش تمدنی اسلام (معراج) با محوریت بزرگداشت شهدای فاجعه منا روز گذشته ۳۱ خردادماه ۹۵ با حضور تعدادی از خانواده‌های شهدای منا در موزه هنرهای دینی امام علی(ع) برگزار شد.**

در این مراسم بیانیه‌ای از جانب انجمن کشوری شهدای منا (خانواده شهدا) قرائت شد. همچنین فراخوان بین‌المللی آثار بیت عقیق با محوریت شهدای فاجعه منا در چهار محور ادبی، هنری، پژوهشی و چند رسانه‌ای اعلام شد. مهلت ارسال آثار این فراخوان تا ۱۴ مرداد ۹۵ است و آثار در بخش‌های ادبی به صورت شعر، داستان و فیلمنامه، در بخش هنری به صورت پوستر، نقاشی و کاریکاتور، در بخش چند رسانه‌ای به صورت مستند، نماهنگ یا موشن گرافیک، انیمیشن و تصاویر ضبط‌شده با موبایل و در بخش پژوهشی به صورت مقاله، تحقیق مستند و پایان‌نامه ارائه می‌شود. در پایان این مراسم برای چند تن از فرزندان یکساله شهدای فاجعه منا جشن تولدی برپا شد.

## سرطان باز هم به سراغ حسین محب‌اهری آمد

**حسین محب‌اهری از شروع دوباره بیماری سرطان خود خبر داد و گفت: بیماری سرطان، طحال، کیسه صفرا، ریه راست، اطراف مثانه و روده‌هایم را درگیر کرده است.**

حسین محب‌اهری از عود کردن دوباره بیماری خود گفت و ادامه داد: بخش‌های شکم و لگنم درگیر این بیماری شده اما مهم‌تر از همه سرطان ریه راست است که اذیت می‌کند وگرنه طحال و کیسه صفرا را می‌توان خارج کرد و ظاهراً مشکلی هم پیش نمی‌آید. این بازیگر قدیمی تئاتر و تلویزیون که هنوز روحیه و انرژی بسیار زیادی دارد، از بیماری خود به عنوان یک مشکل طبیعی یاد کرد و گفت: زندگی همین است دیگر؛ بیماری هم جزوی از آن است. من قبلاً هم برای بیماری سرطان غدد لنفاوی دو بار جراحی شدم.

محب‌اهری ادامه داد: تا حالا چهار بار شیمی درمانی و دو بار جراحی کرده‌ام و این بار پنجم شیمی درمانی است که حالا پرتو درمانی هم به آن اضافه شده است که تجربه خوبی است!

او با اشاره به شروع آزمایشات خود از هفته گذشته گفت: از یک‌شنبه هفته گذشته سونوگرافی و چند آزمایش را شروع کرده‌ام و منتظر انجام سی‌تی‌اسکن و نتیجه آن هستم تا پزشکان براساس آن، داروها و اقدامات مورد نیاز را تجویز کنند. محب‌اهری که هم اکنون مشغول بازی در سریال «علی‌البدل» به کارگردانی سیروس مقدم است، گفت: اکنون در همدان مشغول فیلمبرداری این سریال هستیم، ولی به زودی برای سی‌تی‌اسکن به تهران برمی‌گردم، جواب را می‌گیرم و برمی‌گردم سر فیلمبرداری تا دکتر تشخیص دهد آیا می‌توانم در همدان شیمی درمانی و پرتودرمانی کنم یا اینکه باید سه روز در هفته بیایم تهران این کارها را انجام دهم و به سر فیلمبرداری برگردم.

این بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینما که با روحیه‌ای بالا از بیماری خود صحبت می‌کرد، گفت: الان دارم بیشتر به کارم فکر می‌کنم و برای اینکه مجبور شدم پیشنهاد بازی در دو نمایش را رد کنم، ناراحتم. حسین محب‌اهری که امسال از ۸ فروردین، در دو تئاتر به ایفای نقش پرداخته بود، اظهار داشت: برنامه‌ام این است که در پایان سریال علی‌البدل، در دو نمایش دیگر هم بازی کنم، تا تعداد تئاترهای سال ۹۵ را به چهار نمایش برسانم.

گزارش

### شکایت به خاطر پرداخت‌نکردن حق پخش EURO2016

# قطر از ایران به یوفا شکایت می‌کند!

**محمدصادق عابدینی**

**روزنامه قطری «الوطن» از شکایت شبکه BeIN اسپورت این کشور بر ضد صداوسیما و چند شبکه تلویزیونی آفریقایی به خاطر پخش غیرقانونی مسابقات جام ملت‌های اروپا خبر داد.**

فوتبال‌دوستان ایرانی روزهای ماه مبارک رمضان را با پیگیری جام ملت‌های اروپا می‌گذرانند؛ مسابقاتی که بعد از جام جهانی فوتبال مهم‌ترین و هیجان‌انگیزترین مسابقات فوتبال در سطح جهان به شمار می‌رود. اما خبر روز گذشته یک روزنامه قطری ممکن است روزهای فوتبالی ایرانی را تلخ کند.

BeIN اسپورت قطر که زیر مجموعه شبکه الجزیره به شمار می‌رود به صورت تخصصی در حوزه ورزش فعالیت می‌کند و تقریباً حق پخش همه مسابقات مهم ورزشی جهان را در رشته‌های مختلف برای پخش در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در اختیار دارد. این شبکه قطری هم اکنون انحصار پخش مسابقات فوتبال جام ملت‌های اروپا را در این منطقه خریداری کرده است و شبکه‌های تلویزیونی کشورهایی مانند ایران که در این حوزه جغرافیایی قرار گرفته‌اند، باید حق پخش را از قطری‌ها بخرند.

این اولین باری نیست که صداوسیما برای خرید حق پخش مسابقات فوتبال با قطری‌ها وارد مذاکره می‌شود، اما پیش از این نیز قطری‌ها برای تلویزیون ایران سنگ‌اندازی‌هایی داشته‌اند، از جمله مسئله پخش‌نکردن گل‌ها و صحنه‌های حساس مسابقات فوتبال در بخش اخبار بود که گویا صداوسیما توانایی خرید حق پخش برای بازپخش‌های مسابقات و پخش گزیده‌های مسابقات را نداشته است. این اتفاق منحصر به ایران نبوده و چندین شبکه معتبر تلویزیونی نیز قید هزینه خرید این تصاویر را زده‌اند. داوود عابدی خبرنگار و گزارشگر ورزشی شبکه خبر به «جوان» می‌گوید: «به دلیل قیمت بالای حق پخش بسیاری از شبکه‌ها مانند یورونیوز نیز از اخبار ورزشی فقط عکس مسابقات را پخش می‌کنند.» اما مشکل مالی تلویزیون گویا برای خرید حق پخش مسابقات فوتبال حل شده بود، به طوری که صداوسیما همزمان حق پخش دو مسابقه مهم فوتبال جهان یعنی جام ملت‌های اروپا و جام ملت‌های امریکای جنوبی(کوپا امریکا) را خریداری کرد که پخش مسابقات اروپا به شبکه ۳ و کوپا امریکا به شبکه ورزش سیما رسید. البته بعضی از مسابقات یورو به دلیل تداخل با برنامه‌های شبکه ۳ به شبکه ورزش سپرده شد. در عین حال مسئله پرداخت حق پخش یکی از نگرانی‌هایی بود که رفع نشده بود.

**BeIN اسپورت قطر که زیر مجموعه شبکه الجزیره به شمار می‌رود به صورت تخصصی در حوزه ورزش فعالیت می‌کند و تقریباً حق پخش همه مسابقات مهم ورزشی جهان را در رشته‌های مختلف برای پخش در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در اختیار دارد**

میرحسینی، مدیر اسبق شبکه ۳ سیما در آخرین مصاحبه‌هایی که در مقام مدیریت این شبکه داشت، در پاسخ به سؤالی پیرامون پخش مسابقات یورو ۲۰۱۶ گفت: حق پخش فوتبال جام ملت‌های اروپا و رایزنی برای دریافت سیگنال‌های مربوط انجام گرفته و مردم عزیز می‌توانند فوتبال را به صورت زنده و مستقیم تماشا کنند. نه تنها حق پخش این رقابت‌ها پرداخت شده، بلکه به عنوان یک خبر خوب باید بگویم تمام بدهی‌های مالی این شبکه تسویه‌حساب شده است. این می‌تواند یک خبر خوش باشد.

با وجود تأکید مدیر شبکه بر خرید حق پخش مسابقات و در حالی که چند روزی از آغاز مسابقات یورو گذشته است و بخش‌های ورزشی صداوسیما به طور کامل حال و هوای یورو را به خود گرفته‌اند، روز گذشته روزنامه الوطن چاپ دوحه در گزارشی خبر از شکایت گروه BeIN اسپورت از صداوسیمای ایران و شبکه‌های موریتانیا، شبکه‌های الشروق در تونس، الجزایر و چاد خبر داد. این روزنامه قطری مدعی شد این شکایت به دلیل پرداخت نکردن حق پخش است. به گفته این روزنامه عربی شرکت قطری BeIN می‌خواهد از این کشورها به یوفا شکایت کند.

این ادعای روزنامه قطری از سوی دیگر رسانه‌های قطری و بین‌المللی بازتاب و بازنشر نداشته است. حسین زکایی، تهیه‌کننده برنامه یورو ۲۰۱۶ حاضر نشد درباره شکایت قطری‌ها اطلاعاتی را در اختیار «جوان» بگذارد، اما ایران عضو اتحادیه رادیو و تلویزیون آسیا و اقیانوسیه (ABU) است و قاعدتاً اگر قرار بر شکایتی باشد مرجع یوفا به عنوان اتحادیه فوتبال اروپا، مرجع قانونی رسیدگی به شکایت حق پخش نمی‌شود، مگر اینکه قطری‌ها بخواهند از طریق یوفا شکایت خود را در نهادهای قانونی دیگری پیگیری کنند.

امسال شبکه ۳ سیما به خاطر پخش مسابقات فوتبال اروپا از پخش سریال‌های مناسبتی ماه رمضان صرف نظر کرده و تدارک گسترده‌ای را برای پخش مسابقات فوتبال اروپا در نظر گرفته است. با توجه به اعلام مدیر سابق این شبکه نیز به نظر نمی‌رسد که صداوسیما به صورت غیرقانونی اقدام به پخش مسابقات کرده باشد و محتمل‌ترین شکل ممکن این است که طرف ایرانی در انجام تعهدات قانونی خود نسبت به شرکت قطری بدعهدی کرده باشد و حق پخش مسابقات را با وجود دریافت تصاویر از BeIN تا به حال پرداخت نکرده است. قطعاً توضیحات صداوسیما درباره ادعای قطری‌ها می‌تواند در این باره روشنگر باشد.

یادداشت — میلاد نجفی

## «حبیب عزیز» دیروز و «پیرمرد آزادگی فروش» امروز اصلاح‌طلبان!

نه سیاسی بود و نه بی‌دین و لاقید، نه انقلابی بود و نه ضد انقلاب؛ «حبیب محبیان» خواننده مطرح پا به سن گذاشته‌ای بود که پس از انقلاب از کشور خارج شد و در کشورهای دیگر به فعالیت هنری خود ادامه داد. به گفته خودش بیشتر به دلایل شخصی و البته همزمان با موج خروج برخی از هنرمندان قبل از انقلاب، به خارج از کشور ترک وطن کرده بود.

پس از انقلاب و پس از تثبیت هرچه بیشتر مدیریت فرهنگی در کشور، هر از چند گاهی اخباری مبنی بر احتمال بازگشت برخی هنرمندان به کشور به گوش می‌رسید که در اکثر موارد واقعیت نداشت، در دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد ناگهان اخبار ورود «حبیب» به کشور جدی‌تر شد و پس از مدتی برخی کلیپ‌های ایشان در داخل کشور، خبر بازگشتش را به ایران تأیید کرد. برخی اخبار نقش شخص رئیس‌جمهور وقت در اعطای مجوز جهت بازگشت این خواننده به ایران را دلیل اصلی این اتفاق می‌دانستند. صبح ۲۱ خرداد ماه امسال خبر فوت «حبیب» بر اثر ایست قلبی منتشر شد و پس از آن بود که رسانه‌های مختلف به انتشار اخبار و حواشی این حادثه پرداختند، برخی به دلیل فوت و کیفیت تشییع و محل دفن پرداختند، برخی هم به حواشی مربوط به این حادثه. در این بین رسانه‌های اصلاح‌طلب که همواره عطش ورود به امواج مردمی را دارند تا از طریق اتفاقاتی از این قبیل خود را همگام و همراه با مردم نشان دهند و عقبه مدنی خود را به رخ دیگران بکشانند با هجمه و سر و صدای بیشتری به پوشش این حادثه پرداختند، گویی که مرحوم «حبیب محبیان» یار غار و هم‌پیاله ثابت محافل حزبی و سیاسی آنان بوده و اصلاً مگر می‌شود هنرمند بود، ولی نزدیک به اصلاح‌طلبان نبود؟!

**شوک رسانه‌ای به اصلاح‌طلبان**

پس از چند روز پوشش رسانه‌ای و تیتر یک شدن موضوع فوت «حبیب» در رسانه‌های اصلاح طلب، ناگهان انتشار نامه‌ای منسوب به «حبیب» که مخاطبش رئیس‌جمهور وقت یعنی احمدی‌نژاد بود، این رسانه‌ها را دچار نوعی آمپاس رسانه‌ای کرد!

روز اول را به سکوت خبری در این زمینه پرداختند و در روز بعد برخی مانند روزنامه «شرق» و روزنامه «قانون» به یادداشت‌هایی در این باره مبادرت کردند، «قانون» از قول فرزند مرحوم، مدعی به کذب بودن اصل این نامه شد و در ادامه به احتمال استفاده ابزاری دولت قبل از هنر برای اهدافش نوشت و به دستمایه شدن بازی‌های سیاسی این موضوع توسط دولت قبل پرداخت و از آن انتقاد کرد. «شرق» با هل من مبارز خواندن منتشرکنندگان متن نامه، خواست اگر نامه جعلی نیست، اصل آن را منتشر کنند و در احتمال دروغ بودن آن همین بس که متن نامه در حمایت از «احمدی‌نژاد» و مخالفت تند با «اصلاحات» است! و فرض محال اگر هم نامه واقعیت داشته باشد، به این دلیل است که «پیرمرد» را وادار به نوشتن این نامه و فروش بخشی از «آزادگی انسانی‌اش» جهت دریافت مجوز کرده‌اند و دلیل انتشار این نامه در این ایام هم ناراحتی رسانه‌های تندروی اصولگرا از توجه مردم و اصلاح‌طلبان به فوت این هنرمند است.

**ذبح حرمت هنری توسط اصلاح طلبان**

اگر توجه به هنر و هنرمند فقط برای هنر و نه اهداف حزبی و گروهی باشد، رسانه به افراط و تفریط نمی‌افتد، نه از یک هنرمند اسطوره می‌سازد و نه رهایش می‌کند، از نگاه مطلق‌گرا دوری می‌کند که اگر اتفاقی مثل انتشار نامه فوق رخ داد، دچار لکنت زبان رسانه‌ای و عصبانیت نشود. رسانه‌های محترم اصلاح طلب مورد نظر از استفاده ابزاری دولت‌ها و سیاسی بازی‌های آنها با موضوع هنر و هنرمند گفتند، چه حرف درست و قابل تأملی، همه طرفدار هنرمند مستقل و دور از سیاست‌زدگی هستند، در این زمینه با بررسی حوادث سیاسی پس از انقلاب به راحتی می‌توان فهمید که چه کسانی شعار می‌دهند و چه کسانی عمل می‌کنند، نامه‌ها و مصاحبه‌های برخی از هنرمندان در انتخابات سال ۸۸ و موج‌سواری بر احساسات آنها توسط رسانه‌های اصلاح‌طلب فراموش شده است؟ کمپین‌های مجازی برخی از بازیگران در انتخابات دوره قبل مجلس شورای اسلامی و استفاده شدید تبلیغاتی همفکران شما را چه طور تفسیر کنیم؟ اگر هنرمندی از شما انتقاد کند، می‌شود حرف‌های دیکته شده و پیرمردی که آزادگی‌اش را فروخته، ولی اگر از گروه شما حمایت کنند می‌شوند فرهیخته. اصل نامه هم که توسط خبرگزاری «فارس» و پاسخ شخص رئیس‌جمهور وقت به روی آن منتشر شد و مشخص شد تمام انتقادات وارده در این نامه به اصلاح‌طلبان و افراطی گری‌های اول انقلاب آنها واقعیت داشته، حالا پاسخ شما چیست؟

حتماً با فرض دوم شما اگر نامه حقیقت دارد، تمام موارد مطروحه به دلیل فشار دولت وقت و وادادگی مرحوم جهت دریافت مجوز بوده است، پس چرا این اقدام در زمان دولت اصلاحات صورت نگرفت؟ همانطور که در ابتدا گفته شد، مرحوم «حبیب محبیان» احتمالاً سینه چاک انقلاب اسلامی نبوده ولی عملکرد شخصی و هنری او در سالیان مختلف نشان می‌دهد که لااقل بر ضد آن هم نبوده و همین جای خوشحالی دارد، اما به رسانه‌های محترم اصلاح‌طلب پیشنهاد می‌شود تا از جو زدگی رسانه‌ای دوری کنند، هنر و هنرمند مردمی است، آن را با امیال حزبی و جناحی کوچک نکنیم.

نهج‌البلاغه

**حکمت ۳۱۲ روانشناسی عبادات (علمی، عبادی)**

**وَقَالَ [علیه السلام] آن لِلْقُلُوبِ إِقْبَالاً وَإِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ.**

و درود خدا بر او فرمود: دل‌ها را روی آوردن و نشاط و پشت کردن و فراری است؛ پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وا دارید و آنگاه که پشت کرده بی نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید.

نما | حسین کشتکار

## حضور یک ایرانی در ساخت مولانای هالیوودی

**وحید مهری**

**چندی قبل خبر تولید فیلمی براساس زندگی مولانا، شاعر و عارف ایرانی قرن هفتم هجری قمری منتشر شد.**

«دیوید فرانزونی» سناریستی که بیش از هر چیز به خاطر نگارش فیلمنامه «گلادیاتور» شهرت دارد، در گفت‌وگو با «گاردین» خبر از نگارش فیلمنامه‌ای براساس زندگی مولانا داده بود و البته که تهیه‌کننده این کار را هم «استیفن براون» معرفی کرده بود.

این سناریست از علاقه خود نسبت به حضور لئوناردو دی کاپریو و رابرت داونی جونیور به عنوان بازیگران نقش‌های «مولانا» و «شمس» سخن گفته و بیان کرده بود: تصویر کردن شخصیت «شمس» هم کار پیچیده‌ای است. با وجود اینکه عوامل این کار او را شخصیتی منفی نمی‌دانند، اما معتقدند او تأثیر مخربی در دور کردن «مولانا» از تدریس و خانواده‌اش داشته است. این پیچیدگی و گنگی، فضای هنری‌تری را برای نویسندگان و تهیه‌کنندگان این فیلم ایجاد می‌کند.

این ادعا در کنار سابقه قبلی دی کاپریو در ایفای نقش شاعری با رفتارهای غیرمتعارف در درامی با عنوان «کسوف کامل» ساخته «آگنیشکا هلند» کارگردان لهستانی، موجب این گمانه‌زنی شد که آیا دیوید فرانزونی هم در فیلم مولانا بنا دارد یک رابطه غیرمتعارف را به تصویر بکشد؟

البته که تاکنون «فرانزونی» هیچ توضیح شفافی در این باره نداده است.

از سوی دیگر کندوکاو در سوابق کاری «استیفن براون» تهیه‌کننده کارل را به دو شرکت رساند؛ یکی شرکتی ترک به نام «وای» که این تهیه‌کننده امریکایی مدیر اجرایی آن است و بناست فیلم زندگی مولانا را برای این شرکت تولید کند و دیگری شرکتی عرب به نام «وحید و شرکا» که استیفن براون به عنوان مشاورش مشغول به کار است.

«استیفن جوئل براون» که فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی تاریخ از دانشگاه کالیفرنیاست به واسطه تولید آثاری مانند «هفت»، «وکیل مدافع شیطان»، «فراری» و «آدمکش کامل» شناخته می‌شود.

براون که مدتی است به عنوان مدیر اجرایی کمپانی «وای» که مقرش در استانبول ترکیه است، مشغول فعالیت است، تهیه‌کنندگی اولین محصول سینمایی بلند این کمپانی ترک را که در لس‌آنجلس و نیویورک دفتر دارد هم انجام داده است.

نام این محصول «سرجوخه عثمانی» است که داستانش در خلال جنگ جهانی اول می‌گذرد و داستان عشق میان یک پرستار آرمانگرای امریکایی و یک افسر ترک را روایت می‌کند. این فیلم را کارگردانی نیویورکی به نام «جوزف روبن» می‌سازد و در کنار «جاش هارتنت»، «میشل هسمان» و «بن کینگزلی» تعدادی بازیگر ترک هم نقش‌های فرعی آن را ایفا می‌کنند.

همین کمپانی ترک است که تولید فیلم زندگی «مولانا» را برعهده گرفته و البته سفارش نگارش فیلمنامه را هم به «دیوید فرانزونی» داده است!

به جز اینها «استیفن براون» نه فقط به واسطه فعالیت‌های سینمایی و تلویزیونی بلکه به واسطه حضورش به عنوان مشاور یک شرکت در حاشیه خلیج فارس هم شخصیتی کنجکاوبرانگیز به نظر می‌رسد. استیفن براون حدوداً هشت سالی می‌شود که به عنوان مشاور شرکتی بحرینی با عنوان «وحید و شرکای پیشرو» فعالیت می‌کند.

این شرکت که مدیر آن یک ایرانی به نام وحید مهرانی‌فر است، کارش مشاوره دادن به اشخاص حقیقی یا شرکت‌هایی است که می‌خواهند در منطقه خلیج فارس درگیر فعالیت‌های تجاری شوند.

اینکه مشاور یک شرکت عرب قصد تولید پروژه «مولانا» را دارد هم به قدر کفایت عجیب به نظر می‌رسد به خصوص که کار تولید هم در یک شرکت ترک انجام می‌شود و به همین دلیل تاکنون این پروژه با عنوان «رومی» معرفی شده!!

با این حال حضور یک ایرانی در مدیرعاملی شرکت «وحید و شرکا» جای امیدواری پیش می‌آورد که مراودات براون با این ایرانی بتواند وی را از حساسیت‌های ایرانیان نسبت به شخصیت مولانا آگاه سازد تا در نهایت محصولی خلق شود که قبل از تمام مردم دنیا، این ایرانیان باشند که آن را اثری صادق و وفادارانه به تاریخ قلمداد کنند.

### مخاطب از اجرای اکران «افطار تا سحر» در سینماها خبر ندارد

## اکران بامدادی رمضان همچنان بی‌حال و کم‌مشتری!

**محسن غلامی (قلعه‌سیدی)**

**سینماها در ماه رمضان به رسم این چند ساله می‌توانند بعد از نیمه شب، اکران فیلم داشته باشند، اما به‌دلیل نبود تبلیغات و بسته‌های حمایتی، جمعیت سالن‌ها مثل سالیان قبل نیستند.**

سالن‌های سینما در ایام رمضان با تنوع نسبتاً خوبی از فیلم‌ها روبه‌رو هستند و تقریباً همه جور فیلمی از ملودرام گرفته تا کمدی و دفاع مقدسی را روی پرده می‌بینیم. استقبال نیز بسته به کیفیت آثار و البته سلیقه مردم متفاوت است تا جایی که فعلاً «بارکد» و «ایستاده در غبار» با دو جور ژانر متفاوت جذب مخاطب کرده‌اند. با این حال جای طرح «افطار تا سحر»، «اذان تا اذان» یا اسم‌های مشابهی که هر سال برایش می‌گذارند، انگار امسال حسابی خالی است. البته این طرح در رمضان جاری هم پابرجاست، گرچه با کمی تفاوت و شاید بی‌میلی سینمادار و غیره! تفاوت از این جهت که بلیت نیم‌بهای قبل از افطار که مصوب شورای صنفی نمایش بوده، بی‌دلیل و بی‌اطلاع حذف شده و تنها برخی سینماها به اختیار آن را پی می‌گیرند تا بلکه مشتری جذب کنند. ولی اکثر سینماها بیخیال این طرحند و تمام اکرانشان را با نرخ تمام می‌فروشند؛ چرا که فلان مصوبه دیگر اعتبار ندارد. کمتر کسی هم مطلع هست که سینماها در رمضان می‌توانند تا نزدیکی های سحر میزبان سینماروها باشند. به همین دلیل این طرح نهایتاً تا نیمه شب ادامه دارد و بعد از یکی دو سانس فوق‌العاده به شرط وجود مخاطب، کرکره سالن‌ها پایین کشیده می‌شود. پس عمده مشکل «افطار تا سحر» در رمضان جاری، مشخصاً همین نبود اطلاع‌رسانی ماجرای این نوع اکران است؛ در واقع نه صدایی از متصدیانش شنیده می‌شود و نه پخش‌کننده و تبلیغات دنبال بولد کردنش هستند. در کنار ضعف اطلاع‌رسانی شاید کاهش پیدا نکردن قیمت بلیت بازه زمانی ماه مبارک، این طرح چندساله را بیشتر به خواب برده!

خصوصاً با حجم فیلم‌های تازه‌ای مثل «دختر»، «دراکولا» و غیره که طی چند روز دیگر به اکران عمومی اضافه می‌شوند، می‌توان در قالب طرح اعلامی گیشه را رونق مجدد داد. با ذکر این نکته که فروش امسال رمضان فعلاً و حتی اگر در برخی پردیس‌ها مساعد باشد اما در قیاس با این چندسال، چندان بر وفق مراد نیست. سانس‌های در طول روز معمولاً مخاطب چندانی ندارند و چه بسا لازم است با حمایت بیشتری از مخاطب، فیلم‌های فعلی را که ترکیب خوبی هم دارند، پربیننده‌تر کرد. عمده استقبال به چندسانس قبل از بامداد است و بعد از آن هم که نمایشی در کار نیست. بنابراین اکران «افطار تا سحر» در رمضان فعلی را شاید بتوانیم فقط درحد اسم بدانیم!